

.

()

i

ii

iv

iii

v

vi

vii

viii

x

ix

[]

xi

xii

xiii

پی‌نوشت:

۱. م و ل: اهل.
 ۲. ت: توکل بین قوجی.
 ۳. بم: یکی از شهرستانهای استان کرمان و از آبادترین آنهاست، در زمان حمدالله مستوفی نیز قلعه‌ئی حصین داشته است (مزهه ص ۱۷۱) - باستانی پاریزی - وادی هفت واد ص ۲۱۳.
 ۴. جیرفت: از شهرهای حاصلخیز و زراعتی کرمان است، شهری است که در خلافت عمر مفتوح شد، حمدالله مستوفی، مزهه ص ۱۷۱ و نیز باستانی پاریزی، وادی هفت واد ص ۲۱۲.
 ۵. عثور: آگهی و اطلاع - خبر شدن.
 ۶. منطمس: فرو نشیننده، نیست و محو شونده (غیاث).
 ۷. ت: به. محسوب می‌شود. جغرافی نویسان عرب آنرا «السیرجان و الشیرجان» نوشته‌اند منطقه سیرجان هنوز قسمت باختری ایالت کرمان را تشکیل می‌دهد و کرسی آن سعید آباد است. حمدالله مستوفی نیز آنرا ذکر کرده است (مزهه ص ۱۷۱) در مورد سیرجان، لسترنج، بحث جامعی دارد. سرزمینهای خلافت شرقی ص ۳۲۲ و ۳۲۳ و نیز باستانی پاریزی - وادی هفت واد - ص ۲۱۴.
 ۸. ت: رفتند تا به اردوی امیرزاده اسکندر رسیدند.
 ۹. م: سرخی.
 ۱۰. ت: از «به مرتبه ئی» تا اینجا ندارد. همین عبارت در حاشیه م آمده است.
 ۱۱. خبیص: نام بلوکی است که به شرقی شهر کرمان و در شمال و شرق خبیص کویر لوت و به جانب جنوب نرماشیر و بم قرار دارد. حافظ ابرو در جغرافیای خود ضمن توصیف ناحیه خوسف (در هفت فرسنگی جنوب غربی بیرجند)، نوشته است: ... بر آن طرف بیابان از حدود کرمان خبیص و نواحی آنست (نسخه مخطوط ملك) خبیص به عنوان موضعی که بر سر راه خراسان به کرمان داخل کویر قرار داشته معروف بوده است. (دهخدا). و نیز ← احمد علی خان وزیری. جغرافیای کرمان (ص ۹۰ - ۸۹). در دوره‌های اخیر به نام «شهداد» خواند.
 ۱۲. ت: «برلاس را که رستم زمان بوده ندارد.
 ۱۳. ت: «برهان‌الدین» ندارد.
 ۱۴. ت: «فرستاده بودند او نیز آن» را ندارد.
 ۱۵. ت: «چون احوال بدین مشابه رسید» ندارد.
- خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین؛
تاریخ حبیب‌السیر فی افراد بشر، مقدمه از جلال‌الدین همایی، تهران، خیام ۱۳۶۲، ۴ ج.